

قریب به صد روز است که نقاط زیادی در کشور، صحنه حضور مردم معترض است. این اعتراضات نسبت به اعتراضاتی که در سال‌های قبل رخ داده طولانی‌تر شده و به همین سبب می‌توان گفت نسبت به آنچه پیش‌تر رخ داده ریشه‌دارتر است. تاکنون جامعه‌شناسان زیادی با تکیه بر مفاهیمی مانند «بر هم خوردن رابطه قدرت و مسوولیت»، «آشتی‌ناپذیر شدن تصویر آینده» و «آنباشت نارضایی» درباره علل بروز این اعتراضات توضیح داده‌اند. این توضیحات اگر چه تبیینی درباره عوامل اجتماعی بروز اعتراض ارایه می‌دهند، اما اختصاصی به اعتراضات ۱۴۰۱ ندارند و می‌توان پیش از این نیز رد پای آنها را در رویدادها و رویدادهای جاری در کشور پیدا کرد. به همین سبب، نمی‌توان وجوه تمایز این اعتراضات را با اکتفا به این مفاهیم توضیح داد. برای تبیین این اعتراضات، علاوه بر علل اجتماعی یادشده، باید سراغ علت‌هایی رفت که نقش آفرینی شان در سال‌های اخیر به صورت ویژه افزایش یافته باشد. متن پیش رو تلاش می‌کند تا با تحلیل ریزش آرای انتخاباتی در سال‌های اخیر و مقایسه مقادیر آن در نقاط معترض و غیر معترض، کاهش مشارکت سیاسی را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل برای فهم چرایی بروز، تداوم و تشدید این اعتراضات و بعضاً به خشونت کشیده شدن آن پیشنهاد کند. این رویکرد توضیح می‌دهد که چگونه اعتراضی با خاستگاه اجتماعی یک مرتبه توانست به موضوعات دیگر سرایت کند و در نقاط مختلف کشور از سیستان و بلوچستان تا آذربایجان غربی و کردستان گسترده شود.

ریزش آرای در انتخابات مجلس در سال ۹۸

اگر روند تغییرات تعداد کل آرای اخذ شده در کشور در انتخابات‌های مجلس را تا پیش از سال ۹۸ مبنای محاسبه قرار دهیم، با توجه به افزایش جمعیت واحدین شرایط رای دادن، انتظار می‌رفت در هر انتخابات به‌طور متوسط ۵۶۹ هزار رای به کل آرا اضافه شود و تعداد آرای سال ۹۸ به ۲۴۹ میلیون رای برسد. اما تعداد کل آرای که در انتخابات مجلس در این سال از رای دهندگان اخذ می‌شود، تقریباً ۱۰۴ میلیون رای از مقدار مورد انتظار آن کمتر است (۵۷برابرتحرف معیار). تعداد کل آرای که در این سال اخذ شده برابر ۲۴۵ میلیون است (۲۰٪ کمتر از مقدار مورد انتظار).

اگر این اختلاف کمتر از ۲ برابر انحراف معیار باشد، مطابق تقسیمات توزیع نرمال می‌توان آن را کم‌بیش طبیعی قلمداد کرد، اما اختلاف‌های بیش از آن، مانند اختلافی معادل ۵برابرتحرف معیار، نشان از آن دارد که اتفاقی سیستماتیک در یکی از مهم‌ترین سازوکارهای رسمی نمایندگی سیاسی در کشور رخ داده است.

آیا کرونا مهم‌ترین عامل ریزش آراست؟

شاید تصور شود اتفاق سیستماتیک که بیشترین سهم را در ریزش آرای انتخاباتی در سال ۹۸ داشته همه‌گیر کروناست، اما شواهد زیادی خلاف این مدعا وجود دارد. انتخابات ۹۸ بعد از مقابله خونین با معترضان در آبان همان سال و ساقط کردن هوایمپای اوکراینی در دی ماه برگزار شد. مطابق نظر سنجی‌های ایسپا، برآورد مشارکت در انتخابات پیش از شلیک به هوایمپای اوکراینی ۴۷٪ بوده اما پس از آن به ۲۶٪ کاهش یافته است. مشابه همین تأثیر در ریزش آرا و چه بسا بیشتر از آن را توجه به ایباد گسترده‌تر و واقعی می‌توان در نحوه مواجهه حکومت با اعتراضات آبان ۹۸ نیز تصور کرد.

انتخابات مجلس در ۲ اسفند ۱۳۹۸ در شرایطی برگزار شد که وحشت کرونا در ایران تازه آغاز شده بود و هنوز چیزی از اعلام رسمی شیوع کرونا در کشور نمی‌گذشت. اسان‌الگو ۱۶ ماه پس از آن یعنی در خرداد ۱۴۰۰

نیز در انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم کم‌بیش مشاهده می‌شود.

ریزش آرای در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰

اگر روند تغییرات تعداد کل آرای اخذ شده در کشور در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری را تا پیش از سال ۱۴۰۰ برای محاسبه مبنای قرار دهیم، با توجه به افزایش جمعیت واحدین شرایط رای دادن، انتظار می‌رفت در هر انتخابات به‌طور متوسط ۷۵۰ هزار رای به کل آرا اضافه شود و تعداد آرای در سال ۱۴۰۰ به ۴۳۵ میلیون رای برسد. اما تعداد کل آرای که در انتخابات ریاست‌جمهوری در این سال از رای دهندگان اخذ می‌شود، تقریباً ۱۴۵ میلیون رای از مقدار مورد انتظار آن کمتر است (۴۰٪ برابرانحراف معیار). تعداد کل آرای که در این سال اخذ شده برابر ۲۹ میلیون است (۳۳٪ کمتر از مقدار مورد انتظار).

چنانچه مشاهده می‌شود ریزش آرای در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰ نیز وضعیت بهتری نسبت به ریزش آرای در انتخابات مجلس در سال ۹۸ ندارد. اگر تعداد مطلق تفاوت آرایا بمقدار مورد انتظار با نسبت آن به مقدار مورد انتظار را مبنای قرار دهیم، می‌توان گفت ریزش آرای انتخاباتی ۱۴۰۰ نسبت به انتخابات ریاست‌جمهوری پیش از خود، از ریزش انتخاباتی ۱۳۹۸ بزرگ‌تر نیز بوده است. این رازا افزایش مشارکت نیز می‌توان دریافت. در یازدهمین انتخابات مجلس در سال ۹۸ مشارکت سیاسی ۱۹ واحد درصد نسبت به دور قبل کاهش یافته بود، در حالی که در سیزدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰ مشارکت سیاسی ۵ واحد درصد بیشتر از آن، یعنی ۲۴ واحد درصد نسبت به دور قبل کاهش یافته است. چنانچه تا اینجا توضیح داده شد، به نظر می‌رسد ۱۰ میلیون ریزش رای در انتخابات مجلس در سال ۹۸ و ۱۴ میلیون ریزش رای که در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰ اتفاق افتاده ماهیتی سیاسی داشته و نمی‌توان آن را به راحتی به عواملی مانند کرونا نسبت داد. اما این تمام ماجرا نیست. بررسی جزئی‌تر ریزش آرای در آخرین انتخابات و مقایسه مقادیر آن در شهرستان‌های کشور، ماهیت کاهش مشارکت سیاسی را بیش از پیش نمایان می‌کند.

مقایسه مشارکت سیاسی در نقاط معترض و غیر معترض

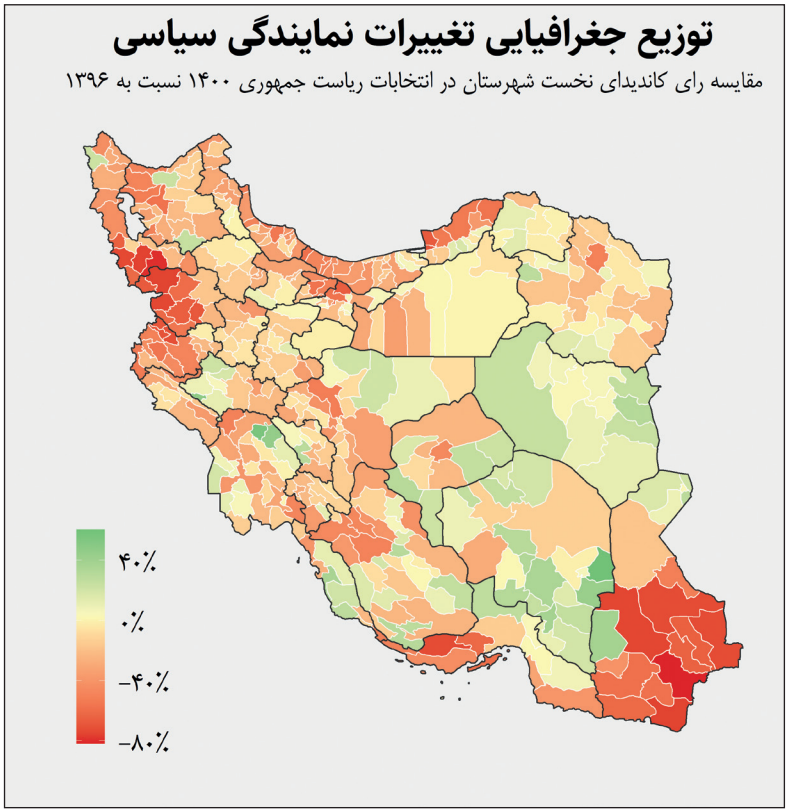
برای اینکه بتوانیم نمایندگی سیاسی را در شهرستان‌های مختلف به‌ویژه شهرستان‌های دارای اعتراض و شهرستان‌های بدون اعتراض مقایسه کنیم، باید ابتدا آن را کمی کنیم. برای این کار شاخصی به نام «تغییرات نمایندگی سیاسی در عرصه رسمی» تعریف می‌کنیم.

تغییرات نمایندگی سیاسی در عرصه رسمی

برای کمی کردن مقدار ریزش آرا در شهرستان‌های کشور، رای کاندیدای نخست در هر شهرستان را در نتایج دو انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر مقایسه کرده و از درصد تغییرات آن با عبارات «تغییرات نمایندگی سیاسی در عرصه رسمی» و عبارات مشابه آن یاد می‌کنیم. به عنوان نمونه در شهرستان مهاباد کاندیدای نخست در سال ۱۳۹۶ فارغ از اینکه برنده کل انتخابات بوده یا نبوده تعداد ۵۲۲،۷۱ آرای آورده است. این تعداد در سال ۱۴۰۰ به ۳۶۲،۱۷ آرای تنزل یافته است. با در دست داشتن این دو عدد می‌توان گفت میزان نمایندگی در عرصه رسمی در این شهرستان یک‌چهارم شده است یا به بیان دیگر ۷۵٪ کاهش یافته است. پس برای این شهرستان تغییرات نمایندگی سیاسی در عرصه رسمی برابر است با ۷۵٪-/ این مقدار برای تهران، تبریز، رشت،

مشارکت کمتر، اعتراض بیشتر

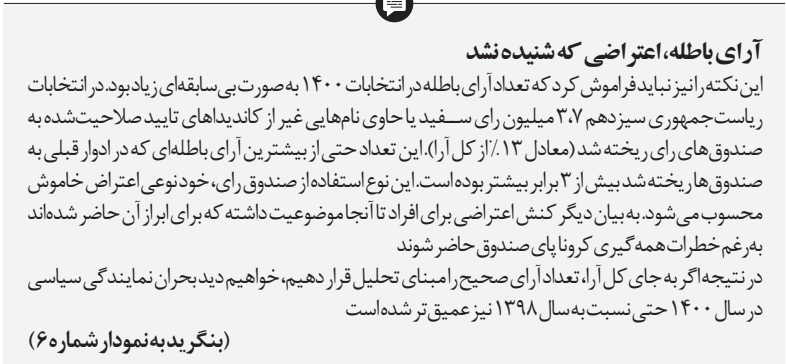
بررسی ارتباط آرای ریزش‌های انتخاباتی و اعتراضات



کرج، شیراز و کرمانشاه برابر است با ۵۷٪-/۵۷٪-/۵۵٪-، ۵۰٪-/۵۰٪-/۴۹٪- (۱۰٪) برای اینکه بفهمیم شاخص «تغییرات نمایندگی سیاسی در عرصه رسمی» چه مقادیری در تمامی شهرستان‌ها داشته، آن را برای تمامی شهرستان‌ها حساب کرده و نمودار فراوانی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

(بناگرید به نمودار شماره ۳)

تعداد واحدین شرایط رای دادن در سال ۱۴۰۰ به اندازه ۵۴٪، نسبت به سال ۱۳۹۶ افزایش داشته است، اگر ریزشی در آرا رخ نداده بود، می‌توانستیم انتظار

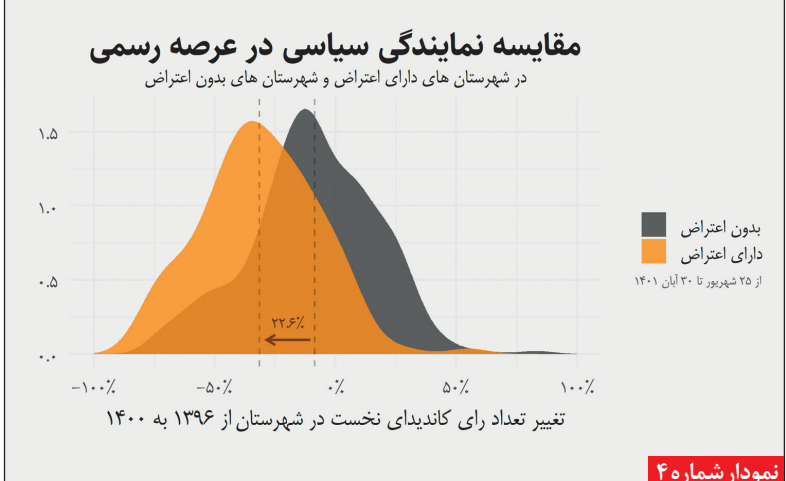
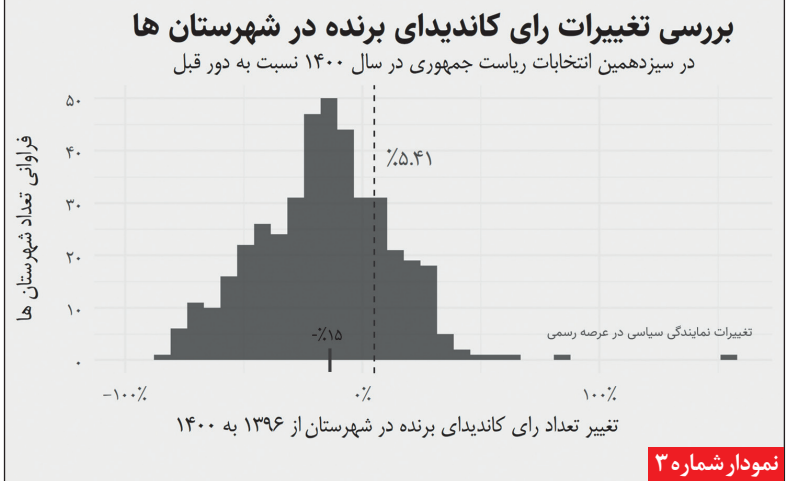


مقایسه مشارکت سیاسی در شهرستان‌های معترض و بدون اعتراض

اکنون می‌توانیم به سوالاتی که پیش‌تر پرسیدیم پاسخ دهیم: آیا تفاوت معناداری در «تغییرات نمایندگی سیاسی در عرصه رسمی» در شهرستان‌های دارای اعتراض و شهرستان‌های بدون اعتراض قابل مشاهده است؟ اگر نمودار فراوانی «تغییرات نمایندگی سیاسی در عرصه رسمی» را به تفکیک شهرستان‌های معترض و غیر معترض و در قالب منحنی چگالی ترسیم کنیم، تمایز در وضعیت نمایندگی سیاسی در شهرستان‌های معترض و شهرستان‌های بدون اعتراض مشخص می‌شود.

(بناگرید به نمودار شماره ۴)

داشته باشیم تغییرات نمایندگی سیاسی در شهرستان‌های ایران در سال ۱۴۰۰ کم‌بیش حول این عدد پراکنده شود. اما چنانچه مشاهده می‌شود بخش عمده توزیع در سمت چپ خط چین (۵۴٪) قرار دارد. به بیان دیگر از ۴۵۷ شهرستان کشور، در ۳۵۶ شهرستان ریزش‌های آرای کاندیدای نخست در شهرستان کمتر از ۵۴٪ است. میانه این مقدار در شهرستان‌ها ۱۵٪- است.



نیز آموزنده خواهد بود که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

شهرستان‌های دارای بیشترین کاهش در مشارکت سیاسی

اگر شهرستان‌هایی را که کاهش مشارکت سیاسی در آنها بیشتر از ۶۵٪ بوده، فهرست کنیم به ۲۲ شهرستان می‌رسیم که از قضا نام بعضی از آنها در اخبار اعتراضات در دو ماه اخیر نیز زیاد به گوش رسیده است. در یک شهرستان این مقدار بیشتر از ۸۰٪ و در ۱۳ شهرستان این مقدار بیشتر از ۷۰٪ است. کاهش مشارکت در سیاست رسمی در سال ۱۴۰۰ اگر چه یک‌الگوی عمومی در کشور است، اما نگاهی به ویژگی‌های مشترک این چند استان می‌تواند برای فهم برخی عوامل داخلی اعتراضات راهنما باشد. به عنوان نمونه یکی از سولاتی که در ماه‌های اخیر مطرح شد این بود که اعتراضی که در ابتدا خاستگاهش آزادی‌های اجتماعی و مساله زنان بود، چگونه در نقاط مختلف کشور از آذربایجان غربی تا سیستان و بلوچستان گسترش یافت و موضوعات دیگری مانند تبعیض و مرکزگرایی را نیز در بر گرفت؟ کاهش شدید مشارکت سیاسی در این استان نشان می‌دهد چرا این موضوعات به سرعت به محتوای اعتراضات اضافه شد. ۷۰٪ کاهش در مشارکت سیاسی اینچنان زیاد است که اگر کار آنها به اعتراض نمی‌شد باید تعجب می‌کردیم. این حجم از کاهش در مشارکت سیاسی احتمالاً به معنای وجود نوعی احساس حذف شدن در این مناطق است.

توزیع جغرافیایی تغییر در نمایندگی سیاسی

بررسی پراکندگی جغرافیایی تغییر در نمایندگی سیاسی در میان شهرستان‌های کشور مانند وضعیت ویژه برخی اقلیت‌های قومی و مذهبی در مساله نمایندگی سیاسی را تایید می‌کند. چنانچه از اطلاعات قبلی می‌دانیم و نقشه رنگ آمیزی شده نیز نشان می‌دهد، مشارکت سیاسی در اکثر شهرستان‌ها کاهش یافته است. اما مقدار این شاخص به صورت کروی به یکسان در نقاط مختلف پراکنده نشده است. شاخص نمایندگی سیاسی در برخی نقاط با شدت و تمرکز بیشتری نسبت به سایر نقاط کاهش یافته است. چنین تمرکز در درجه اول در مناطق کردنشین و بلوچ‌نشین، پس از آن در مناطق ترک‌نشین، بندرلنگه و شهرستان‌های مجاور آن و همینطور تهران و برخی شهرستان‌های مجاور آن دیده می‌شود. در نقاط دیگر نیز کاهش مشارکت سیاسی در شهرستان‌های نزدیک به یکدیگر دیده می‌شود اما شدت آن عمدتاً از موارد کاهش مشارکت سیاسی در عرصه رسمی بر اعتراض رازا بین نمی‌برد. ریزش آرای کاندیدای نخست در شهرستان‌های دارای اعتراض نسبت به شهرستان‌های بدون اعتراضی کم‌است. مثلاً در تهران، به‌طور متوسط ۱۸۲٪ کاهش مشارکت دیده شد، در حالی که در شهرستان‌های بدون اعتراض (نقاط خاکستری رنگ) به اندازه ۱۸۲ واحد درصد پایین‌تر قرار گرفته است.

اعتراض و مشارکت سیاسی

شواهدی مانند کاهش شدید آرای در دو انتخابات اخیر و نقش آفرینی معنادار آن در بروز اعتراض نشان می‌دهد کاهش مشارکت سیاسی در کشور جدی است و تفاوت چندانی از این منظر میان شهرهای بزرگ و کوچک وجود ندارد. اگر نمایندگی سیاسی سلب شود، اعتراض و ناآرامی اتفاق می‌افتد. تحلیل و تبیین‌های اجتماعی دیگر از رویای مختلف نشان داده‌اند، عوامل ریشه‌دار و ساختاری مانند کاهش مشارکت سیاسی در بروز آنچه در کشور رخ داده اثر گذار است و نمی‌توان با تاکتیک‌هایی مانند سرکوب و اعدام به مثابه یک شورش کور با آن برخورد کرد. بدون آرایه راهگرای برای احیای مشارکت سیاسی نمی‌توان به راه‌حلی قابل اکتباری مواجهه با اعتراضات رسید. برای درک بهتر موضوع، بررسی شهرستان‌هایی که بیشترین کاهش مشارکت رسمی سیاسی در آنها رخ داده و همینطور توزیع جغرافیایی این شاخص در کشور

